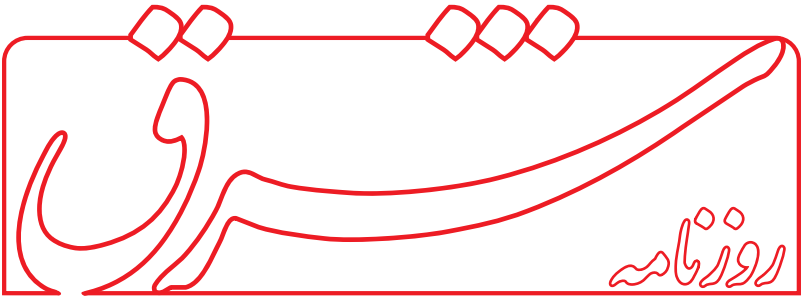




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

تهران: آذان ظهر ۱۲:۰۶ آذان مغرب ۱۷:۱۹ آذان صبح فردا ۵:۴۳ طلوع آفتاب ۷:۱۳

شهر



شنبه ۷ دی ۱۳۹۲ ۲۵ صفر ۱۴۲۵ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۹۱۶ صفحه ۱۶

نمایشنامه خوانی «جواهریان» برای کمک به «بهرامی»

شرق: صابر ابر، نگار جواهریان و علی سربای نمایشنامه «دودلک‌ونصفی» را برای کمک به مجید بهرامی نمایشنامه‌خوانی می‌کنند. برنامه نمایشنامه‌خوانی خبریه برای کمک به مجید بهرامی، بازیگر تئاتر و سینما که دچار بیماری سرطان است، امروز شنبه هفتم دی‌ماه بر گزار می‌شود. در این برنامه نمایشنامه «دودلک‌ونصفی» نوشته جلال تهرانی با کارگردانی مسعود کیمیایی نمایشنامه‌خوانی می‌شود. گفتنی است این برنامه ساعت ۱۹:۳۰ امروز در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برپا می‌شود.



از هر نظری ضرر

خوردن اقتصادی پس دادن سیاسی



پوریا عالمی

● یک آسیب‌شناس اجتماعی و متخصص علوم رفتاری به خبرگزاری «مهر» گفت: «تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مردم ایران درست‌خوردن را بلد نیستند» حالا ما از لحاظ تاریخی ثابت می‌کنیم چرا ایرانی‌ها درست‌خوردن را بلد نیستند

دوره بخور بخور

دوره سازندگی دوره بخور بخور بود. یعنی یک‌عده مال دنیا را می‌خوردند، یک‌عده غم مال دنیا را می‌خوردند، یک‌عده هم غم مال عده اول را می‌خوردند. یک‌عده هم مال خور بودند فقط می‌خوردند. مردم چی کار می‌کردند؟ کوین‌به‌دست دنبال روغن و برنج بودند. به‌رحال سنگ که نمی‌توانستند بخورند

دیالوگ دوره سازندگی: «پسته می‌خوری؟»

دوره بخور بخور

دوره اصلاحات دوره بخور بخور بود. یعنی یک‌عده می‌خوردند اما نمی‌توانستند قضم کنند. یک‌عده هم نمی‌توانستند اینکه یک‌عده دارند می‌خورند را هضم کنند. یک‌عده هم سفره را پهن کرده بودند اما خودشان نمی‌خوردند. شرم حضور داشتند. یک‌عده هم تا می‌خواستند بخورند یک‌عده می‌گفتند نخور نخور. چه بخور بخوری راه انداختید. مردم چی کار می‌کردند؟ باقی ثبات اقتصادی داشتند و جشن گندم گرفته بودند و مثل آدم می‌خوردند و خله می‌خربند و پس‌انداز هم می‌کردند. دیالوگ دوره اصلاحات: «تخوری‌ها. همین طوری نخورده کلی حرف و حدیث در آورده‌اند. براینم!»

دوره بخور بخور

دوره مهرورزی دوره تخور بخور بود. تخور بخور غنی‌سازی شده بخور بخور است. یعنی یک‌عده بودند اینقدر خوردند دنیا برایشان کوچک شد، نگاه کردند دیدند سلین دیول بگلشان است، شده همسایه‌شان. یک‌عده هم راه‌خور بودند. یک‌عده هم جنگل خور بودند. یک‌عده هم دریاچه‌خور بودند. یک‌عده هم زاینده‌رود خور بودند. یک‌عده هم کارون خور بودند. یک‌عده هم بیمه‌خور بودند یعنی حق بیمه کارگران را توی سازمان تامین اجتماعی تخور بخور کردند. حالا یک‌عده زیادی هم رانت‌خور بودند که گفتن ندار. اینقدر رانت‌خواری کردند که مثل مرغ انجیر خواهر نوکشان کج شد و انحرافی شدند. مردم چی کار می‌کردند؟ باد هوا می‌خوردند

دوره بخورزادگان

حالا این بخورنخور تخور بخور دولتی بود که گزارش کردیم. موازای با اینها یکسری دلاوران و آقا‌زادگان هم هستند که دوطرفه می‌خورند، یعنی هم بودجه داخلی را، هم سود و ارث را. با پول دارو هم پورشه وارد می‌کنند و می‌خورند. مردم چی کار می‌کنند؟ هیچی دود پورشه آقا‌زادگان را می‌خورند

ما چی؟

ما چی؟ ما نوسنده‌جماعت و روزنامه‌نگار جماعت که شش‌ماه سال را به شش دلیل مختلف بیکار هستیم، چیزی نمی‌خوریم اصولاً تغییر شکل یافتمیم و قوتوستنزی می‌کنیم. اثبات بدخوردن

پس ثابت کردیم ایرانی‌ها چون تک‌خوری می‌کنند، درست‌نمی‌خورند

چهارراه جهان

«نیل گیمین» برنده جایزه کتاب سال بریتانیا شد

● **مهر:** نیل گیمین با انتخاب‌شدن رمان فانتزی اقیانوس در انتهای مسیر «به‌عنوان برنده کتاب سال ۲۰۱۳ اسبک سیورز، تبدیل به نویسنده محبوب‌ترین رمان سال بریتانیا شد. نیل گیمین با رای‌گیری عمومی بین ۱۰ برنده بخش‌های مختلف جایزه کتاب ملی اسبک سیورز، به‌عنوان برنده انتخاب شد. گیمین با ائتلاف قایل توجیهی برنده این رای‌گیری عمومی شد و رقبای معتبری مانند ماله یوسفزی، رابرت هریس، کیت اتکینسون و دیوید ویلیامز را شکست داد تا این جایگاه بااهمیت را از آن خود کند. گیمین که نویسنده پرفروش مجله نیویورک تایمز نیز هست، در مراسم امسال کتاب ملی اسبک‌سیورز که توسط کاتکوس‌تی‌وی تهیه شده بود در سه بخش مختلف به فهرست نهایی نامزدها راه پیدا کرده بود.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو
باجور رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰
بازیگری کارگردانی فیلمنامه‌نویسی
مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی
۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com

نماینده مرکزی شماره ۱ سایپا
آقایان معصومی و مرادی
بدنیوسله از زحمات شما عزیزان در جهت رفع مشکل مشتریان و ارائه خدمات مناسب قدر دانی می‌نماییم.
جمعی از مراجعین

فراخوان

اهالی فرهنگ، فراخوان دادند

واریز یارانه نقدی برای محیط زیست



شرق: روز گذشته فراخوانی منتشر شد که در آن، بسیاری از اهالی فرهنگ-از جمله نویسندگان، سینماگران و روزنامه‌نگاران- نگرانی خود را نسبت به وضعیت محیط‌زیست ایران ابراز کردند. فراخوانی که بناسد در روزهای آینده نیز جریان‌ساز باشد و واکنش‌های دیگری در پی داشته باشد. در ادامه این فراخوان را می‌خوانید:

بار دیگر سرزمینی که دوست می‌دارم

«همجای ایران سرای ماست» این گفته علاوه بر احساس تعلق به یک سرزمین، به معنای تأثیر هر رخدادی در هر گوشه آن در زندگی و آینده تک‌تک ما و نسل‌های آینده است. دریاچه ارومیه فقط متعلق به اهالی ارومیه نیست و تأثیر نابودی آن و پیامدهای فاجعه‌بارش در زندگی نه‌تنها تمام ایرانیان، که در بوم‌زیست زمین انکار‌ناپذیر است. از بین رفتن جنگل‌ها، خشک‌شدن زاینده‌رود، بحران رود کارون، وضعیت ناگوار اقلیم خوزستان به‌ویژه آب و هوای اهواز و برخی استان‌های مرزی و غربی کشور همچون ایلام، بحران دریاچه هامون، آلودگی مرگبار هوای تهران، آلودگی، آراک و دیگر شهرهای بزرگ و... نه‌تنها نتیجه تغییرات آب و هوایی کره زمین و بی‌اعتنایی ما مردم به محیط‌زیست، که به‌ویژه پیامد طرح‌های نسنجیده دولت‌هاست.

وضعیت محیط‌زیست کشور، بنا بر گزارش نهادهای دولتی و مدنی، به مرز فاجعه رسیده و دیری است که زنگ خطر در حوزه‌های گوناگون آن به صدا درآمده است. نه فقط در ایران که در تمام جهان، مشارکت مردمی در اموری چون جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و فواید ناشی از آن امری است رایج و حتی واجب. بی‌تردید نهادهای دولتی نیز وظیفه دارند که با تمام امکانات خود به یاری حرکت‌های مدنی بیایند و از آنها به طرق گوناگون در نیل به اهدافشان حمایت کنند. **درنگ جایز نیست.** هر ناخبری در مبارزه با بحران زیست‌محیطی زبان‌های جبران‌ناپذیر و ماندگار بر پیکر سرزمین‌مان بر جای خواهد گذاشت. بیایید دست در دست هم بگذاریم و در عمل باورمان را به شعار همه‌جای ایران سرای ماست جامه عمل بپوشانیم.

ما امضاکنندگان- فعالان عرصه فرهنگ و هنر- با درک این وضعیت بحرانی از مدتی پیش نگرانی جدی خویش و ضرورت اقدامات فوری را برای پیشبرد هدف‌های کوتا‌مدت و درازمدت در حوزه فضای زیست سرزمین خود با مسوولان این حوزه در میان گذاشته‌ایم.

اینک از تک‌تک شما هموطنان به‌ویژه از چهاردهای موجه و مورد احترام ما و تشکرهای مردم‌پندار صنفی و اجتماعی می‌خواهیم از این فراخوان حمایت کنید.

پیشنهاد ما این است که در گام اول یارانه‌مان را که حق همه ما شهروندان ایرانی است به پیشبرد این هدف اختصاص دهیم. گزارش برنامه‌ها و روند و شیوه مصرف کمک‌های شما با بهره‌گیری از نظر و نظارت کارشناسان معتمد و سازمان‌های مردم‌پندار و مدنی به صورت شفاف به آگاهی همگان رسید.

در بابت‌به بعد ساز و کار اجرایی این پیشنهاد را پس از پاسخ مسوولان به آگاهی شما خواهیم رساند. **رونوشت: سر کار خاندان‌انکار، معاون محترم رییس‌جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست**

امضاکنندگان نامه به ترتیب حروف الفبا

محمدرضا آریان- یگانه آهنگرانی- مهشید آهنگرانی- فریبا ابتهاج- پدرام ابراهیمی- امیرحسین اثباتی- بابک احمدی- هامون اسعدیان- عبدالله اسفندیاری- عبدالله اشتری- زیبا اشراقی- زهرا اشراقی- ابراهیم اصغراده- جواد اطاعت- مهناز افضل‌ی- میترا ایاتی- شهربانو

کنسرت گروه کاروان
تالار وحدت ۱۵، ۱۴، ۱۳ دی ساعت ۲۱:۳۰
خواننده: محسن ریشیان
سرپرست گروه: هایون نصیری
مراکز فروش بلیط: هنر شهر: ۶۶۴۸۱۶۵۵-۶ ققنوس: ۲۲۷۲۸۰۰۷-۲۲۷۵۴۶۶۶ دارنوش: ۲۲۰۰۴۰۰۰ کافه کهن: ۸۸۵۹۲۷۷۱ پرسشیا: ۴۳۸۸۰ پاز: ۲۳۵۸۷۸۴۶ تگین: ۸۸۰۸۴۲۷۶ خرید بلیط آنلاین با امکان انتخاب صندلی: www.iranconcert.com

کنسرت بزرگ محمد علیزاده
۱۸ دی ساعت ۲۱:۳۰
مراکز فروش بلیط: هنر شهر: ۶۶۴۸۱۶۵۵-۶ ققنوس: ۲۲۷۲۸۰۰۷-۲۲۷۵۴۶۶۶ دارنوش: ۲۲۰۰۴۰۰۰ کافه کهن: ۸۸۵۹۲۷۷۱ پرسشیا: ۴۳۸۸۰ پاز: ۲۳۵۸۷۸۴۶ تگین: ۸۸۰۸۴۲۷۶ خرید بلیط آنلاین با امکان انتخاب صندلی: www.iranconcert.com

تولدی دیگر

به بهانه ۶۳ سالگی «بهرام دبیری»

چیزی که او به جهان من افزود، سرزمینم بود



بهرام دبیردل معمار

و حالا در قرن بیست‌ویکم توسعه دست نیافته‌اش را در قرن بیستم جست‌وجوی کند. جامعه‌ای در تعلیق و معلق بین سنت و مدرنیته، در عصری که مدرنیته در غرب هم پایان یافته...

بعد از عید تصمیم گرفتم که طرح اولی خانه دبیری را کنار بگذارم. طرح دومی را شروع کردم با رویکردی کاملاً متفاوت از اولی، تنها چیزی که از فلسفه «دلوز» باقی مانده بود مساله تفاوت بودا طرح دوم بر اساس ۹۰۰ مربع و معورهای سازمان فضایی معماری چهار باغ ایرانی شکل گرفت و نقشه‌ها با سیستم projection مینیاتور ترسیم شد. سنت فراموش‌شده‌مان را در هند باز یافتیم و آموختیم هرچه به سنت سرزمین خود آگاهتر باشیم مدرن‌تر خواهیم بود. تجربه من در طراحی دوم خانه بهرام و سیمین مربوط به سنت این سرزمین است، طراحی برای انشعابی که با مهارت دستشان می‌سازند و در این ساختن، ذهن است که تراوش می‌کند، دست‌هایی که هرروز به کار خوشتن مشغولند. دستی که خلق شد تا خلق کند. دست‌هایی که تصمیم می‌گیرند و مصمم هستند این جهان را از خشکسالی و دروغ برهانند. از خشکسالی بعد که بهرام دبیری از سفرش به هند بازگشت همه آن رنگ‌ها که در فست‌بول بهار به من پاشیده بودند و پیراهن سفید من سرشار از آن رنگ‌ها شده بود را در نقاشی‌هایش دیدم.

حالا اگر بپرسید او چه چیز به جهان من اضافه کرده، باید بگویم: «چیزی که بهرام دبیری به جهان من افزود، سرزمینم بود.» این سرزمین را برخورد صفحه زمین شبه‌جزیره عربستان از قاره آفریقا جدا شده و با اوراسیای ۲۰ میلیون سال قبل، شبه‌جزیره هند را به‌وجود آورد، این برخورد سلسله‌کوه‌ها فلات ایران را تشکیل داد و این برخورد صفحه‌های زمین، هنوز در حال حرکت است و این کشور را دچار زلزله‌های سهمگین می‌کند. برای اینکه بدانیم این سرزمین چه خواهد شد، باید بدانیم که در زمان حال چه هست و در گذشته چه بود. جغرافیای ۲۰ میلیون‌ساله شاید ذهن ماست.

سال‌ها پیش من از «بهرام دبیری» خواستم که خانه او را طراحی کنم. طراحی بر پایه تئوری fold از فلسفه «نیل دلوز» و ریاضیات «رنه توم» که در معماری ابداع کرده بودم انجام شد و طرح خانه بهرام و سیمین شکل گرفت و اینجا کارفرما و طراح خوشحال بودیم و به فکر تدارک ساخت. نوروز آن سال سفری به هند پیش آمد، سفر باشکو بود و حیرت‌انگیز؛ چون دوستی ایرانی که سال‌ها در آنجا زندگی می‌کرده شهرها را از دهلی تا بنارس و شهر «شان‌دگار کربوزیره» را به من نشان داد. در هندوستان - که خود یک جهان است- جوامعی را مشاهده کردم که رنگ را می‌شناختند و می‌شناختند

و آسمان بهار را با رنگ‌ها جشن می‌گرفتند. شهر «جی‌پور» صوری بود و قلعه‌های سرخ و ناچ‌محل سفید. در جشن بهار همه رنگ‌ها به کار گرفته می‌شد و همه کس و همه‌چیز رنگ می‌شد. سگ‌های

ولگرد در خیابان‌ها رنگی بودند و در میدان و در خیابان هم زن و مرد به من رنگ پاشیدند و من پرسپکتیو جدیدی از خودم دیدم با سر و صورت رنگی و پیراهن سفیدی که حالا همه‌رنگ شده بود؛ رنگ‌هایی که کمپوزسیون را دنبال نمی‌کردند، همه رنگ‌ها حضور داشتند و هیچ‌کس و هیچ‌چیز سفید نبود، سیاه نبود...

در هندوستان دیدم که جوامع مختلف با سنت خود زندگی می‌کنند و با اتکا و تمرین سنت، جهان خود را مدرن می‌کنند و می‌سازند. در ذهنم هند را با سرزمین خودم مقایسه می‌کردم؛ هندی که ریشه‌هایش از تمدن مامشقت شده، هندی که معماری‌اش از جغرافیای سرزمین ما به آنجا رفته‌اند. پس چرا جامعه ما سنت خودش را فراموش کرده اما مدرن هم نشده؟ کشوری در حال توسعه که در تمام طول قرن بیستم به‌دنبال توسعه‌یافتگی بوده

در هندوستان دیدم که جوامع مختلف با سنت خود زندگی می‌کنند و با اتکا و تمرین سنت، جهان خود را مدرن می‌کنند و می‌سازند. در ذهنم هند را با سرزمین خودم مقایسه می‌کردم؛ هندی که ریشه‌هایش از تمدن مامشقت شده، هندی که معماری‌اش از جغرافیای سرزمین ما به آنجا رفته‌اند. پس چرا جامعه ما سنت خودش را فراموش کرده اما مدرن هم نشده؟ کشوری در حال توسعه که در تمام طول قرن بیستم به‌دنبال توسعه‌یافتگی بوده